



ساختاری که برای فیلمبرداری و ساخت آن استفاده شده تازه بوده و از فرمت سی جی آی که تروکاژهای رایانه‌ای بصری است کمک گرفته شده و نزدیک به ۳۰۰ دقیقه از سریال روزهای ابدی، صد درصد رایانه‌ای است و سازندگان آن بر این باورند که مخاطب متوجه صحنه‌های رایانه‌ای و غیر رایانه‌ای نمی‌شود

فانج‌ویک

ویژه‌نامه رادیو و تلویزیون روزنامه جام جم
شنبه ۱۱ بهمن ۹۹ • شماره ۷۴۱

سریال «روزهای ابدی» زیر ذره‌بین

پشت پرده‌های انقلاب



سریال‌هایی که روایتگر تاریخ معاصر هستند جزو سریال‌های محبوبی محسوب می‌شوند که به دلیل موضوعات مهمی که بسیاری از آنها برای بینندگان مشترکند؛ مخاطب‌های زیادی را به سمت خود می‌کشانند. سریال «روزهای ابدی» از جمله آنهاست. این سریال سعی کرده به روایت روزهای پرتلاطم ۹ ماه ابتدایی انقلاب اسلامی بپردازد و هنوز هم هستند کسانی که این روزها را به یاد می‌آورند؛ روایتی که به گفته سازندگان، تلاش کرده‌اند تا بدون تحریف باشد.

آشنایی دارند، معتقدند بخش‌های رایانه‌ای آن می‌توانست بهتر باشد همان‌طور که در بسیاری از فیلم و سریال‌های ایرانی ثابت شده توانایی ساخت جلوه‌های ویژه با کیفیت بالاتر در کشور امکان‌پذیر بوده است.

روایت ۹ ماه پرتلاطم

داستان این سریال همان‌طور که اشاره شد از بهمن ۵۷ تا آبان ۵۸ در دوره‌ای است که سفارت آمریکا - لانه جاسوسی - تسخیر شده و به شخصیت‌هایی مانند علی اصغر و صالی، مصطفی چمران و ابراهیم یزدی نیز در این سریال پرداخته شده است.

روزهای ابدی، سه فصل دارد که فصل یک آن با روزهای پیش از انقلاب شروع می‌شود و تا تسخیر لانه جاسوسی را روایت می‌کند. در فصل دوم هم به حوادث حین گروگانگیری می‌پردازد و در فصل بعدی نیز کودتای نوزده و آغاز جنگ تحمیلی موضوعاتی هستند که به آن توجه شده است. این سریال روایتگر نفوذ آمریکایی‌ها در ایران، چگونگی تسخیر لانه جاسوسی و فعالیت گروهک‌های مختلف در آن برهه حساس است.

علیرام نورایی که یکی از شخصیت‌های اصلی این سریال است در گفت‌وگویی درباره سریال روزهای ابدی گفته بود: «در سریال روزهای ابدی نقش بکتاش به عنوان یکی از منافقین را بازی می‌کنم، نقشی که فرازفرودهای بسیاری دارد و از جمله نقش‌های تأثیرگذار در روایت اصلی این مجموعه تلویزیونی است. امیدوارم مردم

سریال را دوست داشته باشند، زیرا نزدیک به دو سال و نیم برای آن زحمت کشیده شده است. هنگام تسخیر لانه جاسوسی دوساله بودم و دیدی واضح از آن برهه تاریخی ندارم، اما بدون شک گروه کارگردانی و نویسندگی تمام ابعاد را بررسی کرده و کاملاً مستند و واقع‌گرایانه به آن پرداخته‌اند.»

حمید گودرزی که در این سریال نقش نفیسی، امین دکتر چمران را بازی می‌کند در گفت‌وگویی توضیح داده بود: «آقای نفیسی که نقش آن را بازی کردم در آن زمان امین دکتر چمران بوده اما ساواک به دلیل آن که دوست داشت

به گفته سازندگان چهار سال نوشتن فیلمنامه آن طول کشیده، چون براساس تحقیقات و مطالعات گسترده‌ای نوشته شده تا بدون دخل و تصرف در آنچه رخ داده آن دوران را روایت کند. در همین زمینه محسن علی‌اکبری، تهیه‌کننده سریال در گفت‌وگویی بیان می‌کند، روزهای ابدی واقعیت دورانی است که روایت آن را تحریف نمی‌کند: «سریال به مستندات واقعی آن دوران پایبند است و سعی شده از تحریف این مقطع مهم تاریخی جلوگیری شود. نویسندگان و کارگردان آقای جواد شمقدری چهار سال تحقیق مفصل و بسیار سنگینی برای این کار انجام داده است. حدود پنج صفحه نام کتاب‌ها و افرادی بوده که برای تحقیق سریال از آنها استفاده شده است.»

به گفته تهیه‌کننده این سریال، روزهای ابدی با این هدف ساخته شده که تأثیر منفی حضور بیگانگان را در داخل کشور به تصویر بکشد و در نهایت برای نسل جوان و نوجوان این سؤال را پاسخ می‌دهد که چرا به سفارت آمریکا، لانه جاسوسی می‌گویند؟ در این سریال سایت‌های مختلف جاسوسی در اقصی نقاط کشور را می‌بینید، مثل سایت کبکان که وظیفه اصلی آن جاسوسی است و گزارش‌هایش را به‌طور کامل تحویل سفارت آمریکا می‌دهد و آژانجا به وی‌ای منتقل می‌کند.

جلوه‌های ویژه اما غیر محسوس

تفاوت روزهای ابدی در مقایسه با سریال‌های دیگر که محتوای تاریخ معاصر دارد این است که علاوه بر تحقیقات گسترده‌ای که در آن صورت گرفته در زمینه نحوه ساخت آن نیز تغییراتی دارد. یعنی فرمتی برای فیلمبرداری و ساخت آن استفاده شده که تازه بوده و از فرمت سی جی آی که تروکاژهای رایانه‌ای بصری است کمک گرفته شده و نزدیک به ۳۰۰ دقیقه از سریال روزهای ابدی، صد درصد رایانه‌ای است و سازندگان آن بر این باورند که مخاطب متوجه صحنه‌های رایانه‌ای و غیر رایانه‌ای نمی‌شود و برای همین هم به ریتم فیلم لطمه‌ای وارد نکرده است. هرچند کسانی که در این زمینه متخصص هستند و با جلوه‌های بصری

کلاه‌گیس‌های حاشیه‌ساز

یکی از حاشیه‌های پیش‌آمده در زمان پخش این سریال که در شبکه‌های اجتماعی به آن پرداخته شد، ماجرای کلاه‌گیس‌های سریال روزهای ابدی بود که در برخی سکانس‌های آن از سوی بازیگران زن دیده می‌شود که می‌خواهد موضوع تظاهرات ضد حجاب در یک مقطع تاریخی را روایت کند.

در همین زمینه نیز علی‌اکبری در گفت‌وگویی تأکید کرده بود: «سریال ما هم در تلویزیون با حذفیات مواجه شد و دوسوم سکانس‌ها که از کلاه‌گیس استفاده شده بود، حذف شد و فقط یک سوم با خواش و اصرار ما پخش شد، آن هم به این دلیل که برای شخصیتی که باید تصویر می‌شد، نیاز بود کلاه‌گیس استفاده شود. به عنوان مثال، یکی از این شخصیت‌ها «کیت میل» یک فرد واقعی است که مقطعی در ایران در تظاهرات ضد حجاب حضور داشته و ما هم در این سریال، حضور او را روایت کردیم. او از آمریکا آمده بود و در این تظاهرات شرکت می‌کند و ما نمی‌توانیم بر سر چنین فردی حجاب یا چادر بگذاریم. استفاده از کلاه‌گیس برای چنین شخصیتی و صحنه‌ای واقعا نیاز بود». او همچنین به دیگر تجربه‌های خود اشاره کرده و گفت: «من فیلم‌هایی مثل «کتاب قانون» و «استرداد» را هم داشته‌ام که با بازیگران خارجی کار ضبط و فیلمبرداری کرده‌ایم اما در سریال روزهای ابدی، بازیگران ارمنی بودند و من و آقای شمقدری به شدت مخالف بودیم که بازیگران مسلمان کلاه‌گیس داشته باشند. این بازیگران در تهران و ارمنی هستند و بیشتر هم در چنین نقش‌هایی بازی می‌کنند.»



آدم‌ها را در این دوران خراب کند به او انگ اشراقیگری و همکاری با خودش را می‌زند ولی بعدها مشخص می‌شود پرونده نفیسی پاک بوده است. نفیسی مهندس کشاورزی است که در یک منطقه دور از مرکز به روستاییان کمک می‌کند و با نهضت امام خمینی (ره) و مبارزان مسلمان مرتبط است. من متولد ۵۶ هستم و آن دوران را به یاد نمی‌آورم اما در دفتر جلساتی داشتیم و کارگردان توضیح می‌دادند و ما سوالات مان را می‌پرسیدیم.»

چرا این قدر گل درشت؟

هرچند روایت داستان و موضوعی که برای آن انتخاب شده به نظر موضوعی جذاب و دیدنی می‌آید اما فارغ از انتقادهای فنی که به این سریال می‌شود، منتقدان بر این موضوع نیز تأکید دارند بازیگرانی که برای این سریال نقش آفرینی می‌کنند، نتوانسته‌اند آن‌طور که باید نقش خود را در معرض نمایش قرار دهند. به طوری که در نقدهای این سریال گفته شده، بازیگران اجراهای بسیار ضعیفی داشته‌اند و به عنوان مثال، یکی از نقدها به شخصیت مهناز (یلدا افشار) است که بیان شده موقعیت او به درستی به نگارش درآمده اما بازیگر این نقش، مفهوم اجرای حسی را در صحنه نمی‌داند و در بسیاری از موارد دیالوگ‌های خودش را به صورت روخوانی ادا می‌کند. همچنین شخصیت اصلی سریال که مهدی ایزدپناه (امین اسکندریان) آن را ایفا می‌کند، یکی از نقاط ضعف جدی سریال عنوان شده که بازیگر این نقش نمی‌تواند سکانس‌های محوری را کنترل کند و با یک اجرای تصنعی با مخاطب رابطه سمپاتیکی ایجاد نمی‌کند.

اما نقد دیگری که به این سریال وارد شده درباره دیالوگ‌هایی است که شخصیت‌ها آنها را بیان می‌کنند. دیالوگ‌هایی که به اصطلاح آن را گل درشت می‌نامند و چه بسا اگر چنین دیالوگ‌هایی از سوی بازیگران بیان نمی‌شد باز هم می‌توانست به عنوان یک سریال ایده‌آل نمره قابل قبولی را از سوی مخاطب و منتقدان به دست آورد.